

پدیده تکفیر و خطرات آن برای جامعه اسلامی

پدیده تکفیر و خطرات آن برای جامعه اسلامی

علامه مرجع سید محمد حسین فضل الله

پدیده تکفیر به یک خطر برای همه جامعه اسلامی تبدیل شده است؛ چرا که تکفیری‌ها، علیه مردان، زنان و کودکان بیگناه جنایت‌های وحشیانه‌ای را مرتکب می‌شوند. این مسئله سبب شده است که سیمای اسلام نزد دیگران خدشه دار شود و به خاطر شرایط ناگواری که این پدیده در چند کشور اسلامی رقم زده است، اسلام دین خشونت و تروریسم معرفی شود.

این جریان نامبارک، به صورت تکفیر کسانی که کافر نیستند و گمراه انگاری کسانی که گمراه نمی‌باشند، شاید به برخی از مراکز حوزوی شیعی دوازده امامی نیز راه یافته باشد. این‌ها برخی از جزئیات اعتقادی و تاریخی را از ضروریات دین و مذهب قلمداد کرده‌اند، در حالی که قدمًا نیز در این باره اختلاف نظر داشته‌اند. همچنین ممکن است روی برخی موارد نظری تأکید کنند، در حالی که ضروری یا بدیهی نبوده یا خاستگاه‌شان برخی قضاوی تاریخی باشد که ممکن است قداست احساسیشان را از عواطف مرتبط با اشخاص گرفته باشد.

آنچه جای تأسف دارد این است که حکم به کفر و گمراهی از برخی مراکز مربوط به مراجع دینی صورت می‌گیرد. این‌ها بدون دلیل، به احکام خود فداست داده‌اند و هیچ جدل و مناقشه‌ای را در این باره نمی‌پذیرند.

مشکل جریان‌های تکفیری این است که بسیاری از هاداران آن، چنان گرفتار جهل مرکّب هستند که با علم و دانایی با دیگران برخورد نمی‌کنند. در حالی که خداوند متعال از مسلمانان می‌خواهد حتی با غیر مسلمانان نیز جدال احسن داشته باشند. خداوند از ما می‌خواهد که با مراجعه به قواعد علمی، منطقی و حقیقت محور در پذیرش حقایق کتاب و سنت و نیز بهره گیری از خرد و قلب بار، اختلافات و نزاع‌های فکری و فقهی خود را به خدا و پیامبر، رجوع دهیم.

ممکن است پیروان یک مذهب، به خاطر ایمان به برخی مسائل که عقیده دارند به عقائد اسلامی مرتبط هستند، پیروان مذهب دیگر را تکفیر کنند و مانند کسانی که توحید، نبوت و روز قیامت را منکر هستند، منکران این مسائل را نیز کافر بدانند. شاید حکم تکفیر، به خاطر اختلاف در التزام به محتوای حدیثی باشد که برای برخی موثق و برای برخی دیگر غیر موثق است. شاید هم علت تکفیر، اختلاف در تفسیر آیه‌ای باشد که پیروان مذهب دیگر به گونه‌ای دیگر آن را تفسیر کنند. به همین دلیل معتقد باشند که انکار این محتوا، تکذیب پیامبر و نفي رسالت ایشان است و موجب کفر فرد می‌شود. همین طور ممکن است معتقد باشند که نفي تفسیر آنان از یک آیه که برای خودشان به مثابه حق است، نشانه تکذیب برخی از آیات قرآن می‌باشد.

ممکن است عین این مسئله در مورد دیدگاه برخی‌ها نسبت به صحابه نیز پیش آید. شاید برخی به یکی از صحابه نگاه منفي داشته باشند یا به او اهانت کنند و این با آنچه در کتاب و سنت در باره قدسي بودن صحابه آمده است، منافات پیدا کند. از این رو این طور به نظر برسد که هر کس نگاه منفي به صحابه داشته باشد، در قبال کتاب خدا و سنت پیامبر او، موضع منفي اتخاذ کرده، می‌تواند به یکی از خطوط کفر منتهی شود.

مسئله تکفیر حتی ممکن است به سخن گفتن در باره بهشت و دوزخ نیز کشیده شود. یعنی اینکه به طور قطعی، فلان گروه سزاوار دوزخ است و فلان گروه شایسته بهشت می‌باشد. حتی برخی کسانی را که با آنان هم عقیده نیستند، از رحمت و غفران الهی به دور می‌دانند. کار به جا های خطرناک‌تر نیز ممکن است بینجامد و به خاطر حلال شمردن آنچه به کافر و مرتد مربوط می‌شود، تعرض به خون، مال و ناموس پیروان مذهب دیگر را حلال بشمارند.

پدیده تکفیر، ممکن است یکی از بزرگ‌ترین علل تاریخی ویران کننده جامعه اسلامی به شمار می‌آید؛ چرا که در فضای فتنه و فرقه گرایی، به جهت فتاوایی که از سوی برخی علمای مذهبی صادر می‌شود، مسلمانان یکدیگر را می‌کشند، اموال یکدیگر را مصادره می‌نمایند و ناموس یکدیگر را هتك حرمت می‌کنند.

پیروان این مذاهب گمان می‌کنند، همان طور که با کشتن کفار، غارت اموال و هتک نوامیس آن‌ها به خداوند تقرب می‌جویند، با این کار نیز به خداوند نزدیک می‌شوند.

به این ترتیب، حوادث تفرقه افکن و شرایط تکفیری به گونه‌ای پیش رفت که وارد بافت فرهنگی، کلامی و اعتقادی شد و فتنه‌های فرقه‌ای به راه افتادند و حالتی از تفرقه و جند دستگی میان جامعه اسلامی به وجود آمد، که به دشمنان اسلام در شرق و غرب و دستگاه‌های جاسوسی بین المللی اجازه داد که در امور آن‌ها دخالت کنند و با پرداختن به مشکلات فرقه‌ای، به مشکلات سیاسی و اجتماعی دامن بزنند. این وضعیت تا جایی ادامه پیدا کرد که در برخی مراحل و مکان‌ها، به جنگ داخلی منتهی شد. جنگی که از فتنه‌های فرقه‌ای و اختلافات فکری و فرهنگی نشأت می‌گیرد. این وضعیت به تضعیف امت اسلامی در جهان و سقوط در برابر دولت‌های استکباری و جوامع کافر انحصاری و به رغم وجود سازمان‌های تقریب مذاهب اسلامی و کنفرانس‌های دعوت به وحدت اسلامی، به خاطر عملکرد متعصباً نی که منفي با في کرده و وفاق اسلامی را دچار مشکل کردند، از دعوت به وحدت اسلامی فاصله گرفت.

هنوز هم مشکلاتی در امت اسلامی وجود دارند و ما امت اسلامی متعدد در آرمان و هدف، نداریم. بلکه دنیای اسلام متفرق و پراکنده شده است که دیگران برای تأمین منافع اقتصادی، سیاسی، امنیتی و راهبردی خود، آن را با دندان‌ها یشان پاره کرده‌اند؛ چرا که اسلام برای آن‌ها دشمنی است که باید با آن جنگید و برای ویران کردن آن، برنامه ریزی کرد.